

روشهای تشخیص رباخواری

ربا عاقلان هم در شکستها



خسارت دیرکرد قطعاً ربا است اما متأسفانه هنوز در قوانین ما هست.

این مبلغ وام می گیرد، بانکهای رباخوار نیز که تنها به فکر سود خویشند با گرفتن وثیقه کافی مبلغ مورد نظر او را در اختیارش می گذارند! حال اگر این وام در روند تولید، تنها مواجه با زیان بیست درصد بشود معادل خواهد بود با تمام سرمایه اصلی این شخص یعنی تمام سرمایه را باید بدهد و از زیر بار دین بیرون بیاید.

ملاحظه می کنید که این قدرتهای

یکی از آثار زبانبار رباخواری آنست که مؤسسات اقتصادی و افراد را به ورشکستگی می کشاند ، زیرا قدرت کاذب فعالیت اقتصادی در افراد تولید می کند ، و همان قدرت کاذب یکی از عوامل ورشکست است .

مثال : شخص یا مؤسسه ای را فرض کنید که تمام سرمایه اش پانصد هزار تومان است ولی با استفاده از اعتبارات بانکی و رهن گذاشتن منزل و امثال آن، پنج برابر

آن نیاز داشته‌اند از دست داده و برخاک
سیاه نشسته‌اند.

جالب اینکه در نظام احکام اسلامی
نه تنها تأخیر پرداخت وام، خسارتی بر عهده
وام گیرنده نمی‌گذارد، زیرا هرگونه اضافه
بر اصل وام حرام و ربا است.

بلکه اگر این تأخیر بخاطر عدم توانایی
وام گیرنده بر پرداخت وام خود باشد هیچ
گونه مجازاتی ندارد، و وام دهنده شرعاً
موظف است طبق دستور (و ان كان ذو
عسرة فنظرة الي ميسرة) (۱) «به او
مهلت کافی دهد تا توانایی بر پرداخت
دهون خود پیدا کند، و اگر توانایی دارد
و تأخیر می‌کند حکومت اسلامی می‌تواند
او را به زندان بيفکند و مجازات کند، یا
از اموالش به مقدار دپونش بردارد و به
طلبکاران بدهد، ولی در هر صورت خسارتی
از جهت دیرکرد بر عهده او نیست.

گرچه متأسفانه در قوانین امروز
کشور ما که حتماً از بقایای قوانین دوران
طاغوت است و انشاءالله به زودی اصلاح
خواهد شد، هنوز در صورت تصاحب اشخاصی
که وام خود را دیر پرداخته‌اند ستونی
برای خسارت دیرکرد به چشم می‌خورد
که نامی جز رباخواری بر آن نمی‌توان
گذارد.

حتی اخیراً دیدم در صورت حسابهایی که
برای بعضی از مؤسسات مذهبی در حوزه
علمیه قم آورده بودند رقم مهمی در ستون

کاذب فعالیت های اقتصادی ، چگونه
می‌تواند خطرناک باشد.

خواهید گشت شبیه آن در سیستم قرض-
الحسنه نیز وجود دارد، که افرادی وام-
های کلان بدون ربح بگیرند و مختصر
زیانی سبب فتای کل سرمایه اصلی آنها
می‌شود.

اما نباید فراموش کرد که وامهای قرض-
الحسنه غالباً محدود و کوچک است. وی
خطر، و اگر مؤسساتی را در نظر بگیریم که
در سطح جامعه اسلامی برای قرض الحسنه
به وجود آید و جانشین بانکهای رباخوار
گردد، مسلماً چنین مؤسساتی جنبه انتفاعی
نخواهد داشت و همچون بانکهای ربا-
خوار به فکر سود شخصی خویش نیستند ،
و به همین دلیل امکانات فعالیت های
اقتصادی طرف را در نظر می‌گیرند تا به
مشکلاتی از قبیل آنچه گفته شد برخورد
نکنند.

* * *

از این گذشته گاهی تنها خسارتهای دیر
کرد که از وام گیرنده، در نظام وام‌های
ربوی می‌گیرند و به صورت تصاعدی و
سراسم آورده می‌رود، برای فلج کردن و
ورشکست افراد کافی است.

بسیارند کسانی که به خاطر عدم توانایی
بر پرداخت اقساط وام خود، تمام زندگی
حتی خانه مسکونی خود را که شدیداً به

خسارات دیرکرد بود .

به هر حال اسلام نه تنها اجازه اینکار نمی دهد بلکه در قانون فقهی «مستثنیات دین» می خوانیم که جایز نیست کسی را مجبور کنیم که خانه مسکونی خود یا مرکب سواری یا سایر ضروریات زندگی خویش را برای ادای دیون خود بفروشد .

بله اگر خانه او برایش زیاد است ، و یا مرکبش مورد نیازش نیست یا فرش و وسایل اضافی در منزل دارد موظف است که آنها را برای پرداختن دیونش جدا سازد .

جالبتر اینکه بگفته فقیه مجاهد و بزرگوار مرحوم شهید ثانی در کتاب «مسائلک» حتی اگر عین جنسی را که وام گرفته موجود باشد اما جزء ضروریات زندگی وام گیرنده شده نمی توان آنرا باز پس گرفت ! و باید به او مهلت داد تا توانائی پرداخت پیدا کند، او در اینجا تعبیری دارد که نشان می دهد مسأله در میان فقهای مامور اتفاق است (تعبیر به کلمه عندفا) .

باز برای اینکه به عمق بینش اسلامی در زمینه روابط وام دهند و «وام گیرنده» آشنا تر شویم نظراتان را به دو حدیث زیر جلب می کنم :

۱- یکی از یاران امام صادق (ع) می گوید: به امام عرض کردم کسی از من وامی گرفته ، و خانه اش را نزد من رهن

گذارده، من می خواهم خانه اش را بفروشم و طلب خود را بگیرم !

فرمود: **اعیذك بالله ان تخرجه من ظل رأسه**: «پناه بر خدا از اینکه مسلمانی را از سرپناه خود خارج کنی!» (وسائل- الشیعه جلد ۱۳ صفحه ۹۵).

۲- یکی از فقهای معروف از یاران امام صادق (ع) به نام «محمد بن ابی عمیر» که شغل بزازی داشت بر اثر پیش آمدهائی تمام سرمایه اش از دست رفت و فقیر شد ، ده هزار درهم از کسی طلبکار بود ، بدشکار خانه مسکونی خود را به ده هزار درهم فروخت و آنرا برای «ابن ابی عمیر» به در خانه اش آورد .

- این چیست؟

- طلب تو است !

- آیا ارثی به تو رسیده؟

- نه !

- کسی به تو بخشیده؟

- نه !

- املاک اضافی داشته ای، فروخته ای؟

- نه !

- پس از کجا آورده ای ؟

- خانه مسکونی ام را برای ادای دینم

فروخته ام.

محمد بن ابی عمیر گفت: از امام صادق

(ع) شنیدم که فرمود: **لا ینخرج الرجل**

من مسقط رأسه بالدين، ارفعها فلا

حاجة لی فیها : «هیچ انسانی را بخاطر

توضیح اینکه: نظام سرمایه‌داری غربی که نمی‌تواند هرگز به تولید مواد مورد نیاز قناعت کند بلکه قسمت عمده فعالیت و درآمدش از طریق تولید محصولات غیرضروری، و تجملی و لوکس می‌باشد، باید همزمان با این تولید سرسام‌آور بازارهای مصرف خود را نیز ایجاد کند.

از يك سو با تبلیغات گسترده چنان صحنه‌سازی می‌کند که توده‌های مردم باور کنند که این فرآورده‌ها همه جزء ضروریات زندگی است، و حداقل نشانه تمدن و شخصیت است و دلیل بر برآزندگی و افتخار!

و از سوی دیگر وجه لازم برای خرید این فرآورده‌ها را از طریق وام‌های نزولی در اختیار مصرف‌کنندگان می‌گذارد، آنها هم شاید کلی خوشحال می‌شوند که چنین امکاناتی در اختیارشان گذاشته شده، اما نتیجه آن پرکردن خانه‌ها از يك مشت فرآورده‌های ماشینی گرانقیمت و غالباً غیرضروری و سپس يك عمر زندگی اقساطی! به طوری سرمایه هرچه به دست می‌آورد باید تسطی بپردازد!

و آخرین رقم‌های خود را به‌نزول-خواران مفتخوار که در شکل تازه‌ای به نام بانک‌های تعاونی، و ظهور کرده‌اند بپردازد.

بدمکاریش نباید از خانه مسکونی اش بیرون کرد» (به خدا سوگند، به مختصری از آن نیازمندم اما به خودم اجازه تصرف در آن را نمی‌دهم) این را بردار و با خود بپرا.

همانگونه که می‌دانیم، در باطن اقتصاد اسلامی هرگز مسائل انسانی، از مسائل اقتصادی جدا نمی‌باشد، و این دو همچون تار و پود درهم فرورفته‌اند، که اگر تفکیک شوند بکلی مسخ شده و شکل اقتصادهای شرقی و غربی امروز را پیدا می‌کنند.

* * *

از اصل سخن دور نشویم: کسانی هستند که بر اثر عدم توانائی بر باز-پرداخت دیون خود، گاهی چندین برابر بدهی را به عنوان سود پرداخت می‌کنند و باز هم اصل بدهی آنها سر جای خودش هست!

یا در تمام عمر مجبور به پرداخت سودند و بدهی را به عنوان تنها میراث برای فرزندانشان خود به ارث می‌گذارند!

* * *

پشتوانه فرهنگ مصرفی

علاوه بر اینها بانک‌های ربا خوار پشتوانه‌ای است برای تقویت فرهنگ مصرفی از طریق ایجاد قدرت خرید به شکل کاذب، و استثمار و بهره‌کشی هرچه بیشتر و خطرناکتر، اما به صورت ظاهر در يك شکل مردمی!